

اعلان

کارت بستال های خانی اعلا از فرنک وارد شده و به قیمت مناسب
بفروش مپرسد طالبین در سبزه میدان سوای ادا مه حجج و مسجد و فنایل
رجوع داشند

نمره اعلان ۷۹

اعلان

یکصدسته کالسک اعلا با جهار چرخ
هزین قرمه امیکانی و کار تکرده
بفروش مپرسد

نمره اعلان ۸۰

اعلان

خواطر فتحتم عموم را میجذب و بشارت میدهد
برای مسافت پیلاق و آب کرم چند دسته جادر با نجف و سایر اواز
سفری مکمل که یکدسته آن پوش بزرگ دو سقفه آستر ما هوت قرمه قلاب دوزی
یکدسته آن جادر هندی بزرگ و دو دسته بکر چهار (نخ) و سایر دسته های
اوایل آن بدار خانه و آشیز خانه و غیره بقیه هنای کلی یا چیزی بفروش مپرسد

نمره اعلان ۷۵

بوقل

| لندن | آلمان | بلژیک | سویس | ایتالی | روییه بیکنی |
|------------|-------|-------|-------|--------|-------------|
| ۷۰۷ | ۴۹-۱۵ | ۴۷-۵۶ | ۴۸-۸۴ | ۶۴ | ۱۰-۸۰ |
| لندن مکتبی | لندن | لندن | لندن | لندن | لندن |
| فران | فران | فران | فران | فران | فران |
| ۴۹-۱۷ | ۶۴ | ۱۹۸ | ۱۰-۵۵ | ۳۲۷-۲۱ | ۳۳۱-۵۰ |
| بازار | بازار | بازار | بازار | بازار | بازار |
| خرید | خرید | خرید | خرید | خرید | خرید |

مطیعه بوقل شعبه (۲)

لخ میموده اینها یعنی را فردی از هم دور کرد

آرشن اوین دوباره گفت بسته میبلد اسلا
چرا بایتی عدین یا بشی کلپند گفت اینها کزیم
عیز نا و قی که من باین دسته این فکه میکنم
من عیمکن خواهم یود
آرشن اوین یا ما کنیم گفت نه چرا

بچه جمه این داشت

کلپند گفت نه برای این طور میکنم

این دسته کشته ام

ما کنیم باین حرف بکر نیه غریادی کشیده

گفت سات شو دیگر از کدشته قیا به صحبت

کرد کدشته کدش و شروع کرد به پوسبند

دسته ای زیبای کلپند

بوسه های مغونش آثار جنایت را از دسته ایش

محظوظ زالی میکند بهر بوسه او بی دسته ای خود

نکاهی کرد خوشحال شد از این کشیده

کفت نه الان همچیکس بغير از من و نو در

اینها نهسته از این کشیده

و برای دل نو انجام داده ام می کنیم

و شرافت منقلب میشود اما جاره ندادم نو را از جان

و دل میخواهم و غیر نسلم و رضیا در مقابل

او امیت کو نچاره ای

هم کند شت همس با دقت به کلپند فکه میکرد

ناکاه میشون کویه کردن شد و قدرات دوشت اش

از کوشش چشمافش سرایزی کردیده و قدره بقطره

بر روی پراهن محل قشکن ریخت

همس با نام خون سردی که داشت از این

منظرة غمیخت که نمایش یاں و فومنی اشیدید

بود مانع شده بیشتر از پیش رکنجهاد شد که این

دوخت برای این طور میکنم

ولبکن طولی نگشیده در مقابل باز شد و آرشن

لوین در نوی اطاق نمایان کردیده

این دو فقر بسون انکه باهم سختی کهنه

مدلی بهم دیگر نهان بکردند بعد از آن همس

ذید آرشن اوین در مقابل کلپند زانو خود

را لخ کرده دست او را گرفته بوسید و بعد او

راد را غوش خواهی کرفت و سکولی در اطراف

ایشان خکم فرا شد این چه جویی اش

هر کفر برای او کلپند بد نیاشد من هبشه می

خواهم او را خوشحال نمایم باز هم کردیده

از آریه نو من میتوانم شو

کلپند بخدای ملایم آرشن اوین نسکن

پیدا کرد و بسته کمی که هنوز از این کریه

نمایان است مطلع شده پیش وفت از لای پرده

نوی آن اطاق دیگر لای نکار کرد خانم در این

اتاق جراغ دستی خود را خاموش کرده هر شر

الکریسته را باز کرد جراغهای اطاق نمایا

شده چیزی را از همس بند از این

همه مشغله از اینها بیرون شد

درینه از اینها بیرون شد

خانم ملخانی را بخوبی در مقابل نورا کلپند

اوین نیز از اینها بیرون شد

هم از اینها بیرون شد

می خواست اینها را از اینها بیرون شد

که مکانی خانی هستند و نیام و رها و پیجره

باز میباشد

لپند اطاقی را که طی کرد و اشنازی کمی

از شاف دری ظاهر شد پس آنها

را بخواست از اینها بیرون شد

می خواست اینها را از اینها بیرون شد

را بخواست از اینها بیرون شد

می خواست اینها را از اینها بیرون شد

هم از قید اطاق های مکانی هستند بست مردم قرار از

نیام و رها و پیجره

باز میباشد

لپند اطاقی را که طی کرد و اشنازی کمی

از شاف دری ظاهر شد پس آنها

را بخواست از اینها بیرون شد

می خواست اینها را از اینها بیرون شد